

گزارش



نقش سازمان‌های جاسوسی دنیا

در کودتای ۲۸ مرداد
مرکز تحقیقات پیوسته علوم و فناوری

اشاره:

یکی از نقاط قابل تأمل در تاریخ ایران اسلامی حادثه‌ی شوم کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ می‌باشد، که به واسطه‌ی آن راه سیطره‌ی بیگانگان بر سرنوشت سیاسی ایران هموار گشت و بار دیگر حرکت جمعی مردم - که می‌رفت خود اقتدار کشور را در اختیار گیرد - به دست اجنبی افتاد. در همین راستا باشگاه رادیویی جوان با هدف تنویر افکار و روشنگری اذهان و تقویت روحیه‌ی بیگانه‌ستیزی در میان مخاطبان، در سالگرد این واقعه‌ی اسف‌بار، همایشی تحت عنوان «سازمان‌های جاسوسی دنیا و کودتای ۲۸ مرداد» برگزار کرد که در آن سه تن از استادان و پژوهشگران تاریخ، آقایان: دکتر حقانی، دکتر کوشکی، و جناب تقوی از زوایای مختلف به موضوع پرداختند.

با سپاس و تقدیر فراوان از همکاری و همراهی باشگاه رادیویی جوان به ویژه آقای علی اکبر رزمجو با فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی، آنچه از نظر خوانندگان گرانقدر می‌گذرد خلاصه‌ای از سخنرانی‌ها و حاصل تحقیقات ویژه‌ای است که باشگاه نسبت به گردآوری آن اهتمام ورزیده است.

در سال ۱۹۰۱ میلادی، حدود صد و دو سال پیش، قرار داد داری در دوره‌ی مظفرالدین شاه باناکس داری انگلیسی بسته شد. از آن روز به بعد نفت به عنوان پدیده و کالایی اقتصادی بزرگ، نقش مهمی را در تحولات ایران عهده‌دار شد. این وضع همچنان ادامه داشت تا کودتای ۱۲۹۹ که رضاخان به قدرت رسید. در این مقطع دولت انگلیس به این فکر افتاد که اگر رضاخان و ملت ایران در پی استیفای حق خود برآیند، منافع انگلیس در معرض خطر قرار خواهد گرفت، پس آنها درصدد برآمدند تا در سال ۱۳۱۲، قرار داد دیگری را در تکمیل قرار داد داری با ایران منعقد کنند و شرایط جدیدی را برای ایران تعیین نمایند. این قرارداد به قرارداد الحاقی ۱۹۳۳ معروف شد. با دستور رضاشاه، از فردای انعقاد این قرار داد؛ نه مجلس، و نه مطبوعات حق نداشتند که راجع به آن سخنی به میان آورند. این اختناق تا شهریور ۱۳۲۰ ادامه داشت و از این تاریخ به بعد با حوادثی

نظیر اقدامات شوروی برای تصرف نفت شمال ایران و غائله آذربایجان، زمینه‌ای برای اقدام مردم و دولت، در مورد نفت فراهم شد. حضور مردم و رهبران مردمی فارغ از جناح‌بندی‌ها در عرصه سیاست - امکان مهار ایران را، به طور کامل از چنگ دولت انگلستان خارج نمود و زمینه‌ای برای رویارویی مردم و رهبران مردمی با استثمار فراهم ساخت. این حوادث سیر تکمیلی خویش را طی کرد تا در نهایت با قتل رزم‌آرا، به عنوان آخرین امید استثمار، برای متعارف ساختن قرار داد الحاقی، نفت رسماً به شکل ملی درآمد و امریکا که تا این زمان توانسته بود با حضور غیرمستقیم، از جنگ‌های اول و دوم جهانی جان سالم به در برد، مجدداً خود را به دنیای سیاست رسانیده و در حوزه‌ی خاورمیانه و آسیا، خواهان سهمی از منافع این کشورها گردید و از ملی شدن نفت در ایران رسماً استقبال کرد. چون ایران در میان دیگر کشورهای حوزه‌ی خلیج فارس که - نفت خیز هم بودند - از موقعیت خوبی از نظر استراتژیک و ژئوپولیتیک برخوردار بود، باعث شد تا امریکا و انگلیس با تمام قوا و نیز با بهترین و مهمترین تاکتیکها به سوی ایران روانه شوند. استراتژی کلی در این مرحله این بود تا اقدامات ملت را برای دستیابی به حق خویش ناکام سازند و نیز با نمایاندن چنین ناکامی، روحیه ملت را تضعیف سازند.

بهترین اقدام در دستیابی به این دوره تحریم اقتصادی بود. در پی تحریم اقتصادی، بتدریج مشکلات معیشتی در کشور به وجود آمد و از نارضایتی مردم، نیز به عنوان ابزاری دیگر بهره برداری گردید. ایجاد تفرقه بین نخبگان سیاسی و جریانهایی که توانستند با همبستگی‌های خود ملی شدن نفت را به رسمیت بشناسند را از دیگر ابزارهای این عملیات، جنگ روانی بود. امریکا و انگلیس می‌خواستند با این کار به ایران و دیگر کشورهای جهان سوم بفهمانند که در مقابل سلطه گران، کاری از دستشان برنمی‌آید و دولت مظلوم، محکوم به شکست است. تکیه به سازمان‌های جاسوسی، از دیگر نکات مورد توجه است؛ که در کودتای ۲۸ مرداد نقش مهمی را ایفا کردند.

سرویس یا سازمان اطلاعات مرکزی انگلستان، اینتلیجنت سرویس* ترکیبی از دستگاه‌های مختلف است که زیر نظر نخست وزیری و وزارت دفاع فعالیت می‌کند. تأسیس این سازمان به قرن شانزدهم باز می‌گردد؛ زمانی که انگلستان در حال رقابت با

سایر کشورهای دنیا بود. این سازمان در طول تاریخ تأسیس خود - با توجه به نیازهای انگلستان - به اشکال متفاوت و جدیدی ظاهر شد تا اینکه بیشترین رشد و تکامل آن در جنگ جهانی دوم، به واسطه وجود رقابتهای بسیار شدید بر سر نظام هیتلری آلمان حاصل گردید. از بخشهای مهم اینتلیجنت سرویس تهران به SIS (سرویس اطلاعات مخفی*) که متولی بخش جاسوسی در سایر نقاط جهان است اشاره نمود. که گاهی به اشتباه، با نام (MI6) از آن یاد می‌شود. و اما سازمان سیا؛ که از سازمان جاسوسی انگلستان بسیار نوپاتر است؛ این سازمان، تکامل یافته سازمان جاسوسی - نظامی آمریکا در طول جنگ است و تأسیس آن در سال ۱۹۴۷، و دوران ریاست «آلن دالس» بازمی‌گردد. آمریکا با تجربیات جنگ دوم جهانی و استفاده از آن، به عنوان سازمانی با چند زیر مجموعه همچون؛ «FBI»؛ که وظیفه حفظ امور امنیتی را در داخل خاک آمریکا برعهده دارد، و یا «DIA» - سازمان جمع‌آوری اطلاعات نظامی - تشکیل شده است. سیا یا آژانس بین‌المللی اطلاعات، وظیفه‌ی هماهنگی و مدیریت بین این سازمان‌ها را برعهده دارد. سازمان سیا، در آغاز مسئولیت جمع‌آوری اطلاعات پنهان را در سراسر دنیا برعهده داشت؛ اما، امروز گامی فراتر از فعالیت‌های خود نهاده است که از آن، به عنوان «عملیات پنهان» یاد می‌شود. در این مورد، آقای استان ترنر، رئیس سابق سیا - از آن به عنوان «حیله‌های کثیف» یاد می‌کند. طرح عملیات پنهان به این صورت است که هرگاه منافع کشورهای سلطه‌گری مانند آمریکا و انگلیس در کشوری مورد خطر واقع شود و آن کشور نتواند بطور مستقیم از منافع خود دفاع کند، به عملیات پنهان متوسل می‌شود. ضمناً لازم به توضیح است که بیان چنین طرحی در کنگره آمریکا، سبب پیدایش تناقض گردید و با پیروزی طرفداران آن نیز همراه بود، چرا که استدال آنان حفظ منافع آمریکا به هر قیمتی بود. اوج این عملیات در سال ۱۹۶۰ بود؛ که آمریکا در امور ۴۷ کشور دنیا دخالت داشت، از نمونه این موارد می‌توان به کودتای ۲۸ مرداد نیز اشاره کرد.

حدود ۵۰ سال پس از کودتای ۲۸ مرداد؛ یعنی طی یکی دو سال گذشته، اسنادی مربوط به این کودتا توسط سازمان سیا منتشر شد. کودتا ۲۸ مرداد، طی عملیاتی به نام آژاکس (چکمه) به وقوع پیوست و طراح اصلی عملیات نیز «جرج کندی یانگ» (۱۹۹۰ - ۱۹۱۱) بود. «نیچل وست» (مورخ نیمه رسمی سرویس اطلاعاتی بریتانیا) نخستین

۲۸۹ کسی است که بطور مشروح درباره‌ی نقش یانگ در کودتای ۲۸ مرداد سخن گفته است. وست در کتاب «جاسوس فحایر» - که در سال ۱۹۹۲ در لندن منتشر شد - می‌نویسد در سال ۱۹۵۱ یانگ طرحی را به دولت بریتانیا ارائه کرد که با نام «رمز عملیات باکانیر» شناخته می‌شود. این طرح پیش در آمد طرح کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ است. باکانیر به معنی دزد دریایی است. و این نامی است که مقامات سرویس اطلاعاتی بریتانیا به دکتر محمد مصدق - نخست وزیر ایران - داده بودند. عملیات باکانیر طرحی بود برای باز پس‌گیری اموال ملی شده شرکت نفت انگلیس و ایران، دولت کلمنت این طرح را رد کرد، اما در اواخر این سال حزب محافظه کار به رهبری «وینستون چرچیل» زمام قدرت را به دست گرفت و بدین ترتیب اوضاع به سود یانگ دگرگون شد. و سرجان سینگر رئیس جدید MI6 را به عنوان قائم مقام خود منصوب کرد. طرح مردود شده عملیات باکانیر با نام جدید عملیات چکمه به تصویب رسید و با همکاری سیا به مرحله عمل درآمد.

آلن دالس - رئیس سازمان سیا - در مورد کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ می‌گوید: «در مارس ۱۹۵۳، وزیر امور خارجه به من اطلاع داد حکومت وقت ایران منافع ایالات متحده را تأمین نمی‌کند و در پی آن، با همکاری انگلیس و با اجرای عملیات مخفی طرح آژاکس را برنامه‌ریزی کردیم. تجدید اعتبار و قدرت شاه، هدف اصلی این قرار داد بود. هدف دیگر این طرح نیز، ایجاد قدرت جدیدی بود که از به قدرت رسیدن حزب کمونیسم جلوگیری کند.»

«هندرسون» - سفیر سابق امریکا در ایران - در مورد طرح عملیات آژاکس چنین گفته است: «طرح نهایی عملیات در ایران به نمایندگی از سازمان سیا و اینتلیجنت سرویس تصویب شده بود در روز ۱۹ ژوئن، برای تصویب نهایی در اختیار وزارت امورخارجه انگلیس قرار گرفت. در اواسط سال ۱۹۵۳ امریکا و انگلیس طرح آژاکس را صادر کردند و فرماندهی عملیات به عهده «کرومیت روزولت» - رئیس بخش خاور نزدیک در سازمان سیا - واگذار شد. سازمان سیا فرماندهی عملیات را به عهده‌ی کرومیت‌روزولت گذاشت که وی، خود در این باره می‌گوید: «زاهدی - عضو سابق کابینه مصدق - بهترین جانشین برای مقام نخست‌وزیری بود. بنابراین با نزدیکی در باکسوت نظامی او را در جریان عملیات و هدف نهایی؛ یعنی انتصاب او در مقام نخست‌وزیری ایران قرار دادیم. همچنین آماده کردن شخص شاه، هدف دیگر این عملیات بود؛ چرا که

۲۹۰ آمادگی وی تضمین کننده کمک‌های لازم از پادگان‌های نظامی و به رسمیت شناختن نخست وزیر جدید بود. اما از آنجا که شاه شخصی متزلزلی بود، برای آمادگی او از شیوه‌های گوناگونی استفاده کردیم.»

در این هنگام سازمان سیا «دونالد ویلبر» را به عنوان مشاور مخفی طرح انتخاب می‌کند. طبق سخنان خود ویلبر، «شاهدخت اشرف پهلوی را از اروپا روانه ایران کردیم تا شاه را آماده سازد و به وی تفهیم کند که امریکا و انگلیس چه خواسته‌هایی دارند و همچنین، برای سفر ژنرال شوارتسکف و فرمانده سابق نظامیان در ایران، به این کشور ترتیبات لازم داده شود. وظیفه شوارتسکف در ایران، شرح مراحل پیشنهادی، گرفتن فرمانهای امضاء شده برای برکناری مصدق، و نیز انتصاب زاهدی به نخست وزیری و فراخواندن ارتش به وفاداری نظام سلطنتی بود.»

روزولت پس از سفر شوارتسکف به ایران می‌گوید: «قرار شد چنانچه تلاشهای اشرف و شوارتسکف به نتیجه نرسید، من به نمایندگی از سوی رئیس جمهور امریکا با شاه ملاقات کنم. تا او را مجبور به امضای فرمانها نمایم تا در روز تعیین شده، این فرمانها در اختیار زاهدی قرار گیرد و در روز موعود شاه باید به مکانی خارج از تهران برود تا زاهدی با در اختیار داشتن فرمانهای سلطنتی و پشتیبانی ارتش، حکومت را تحت کنترل خویش دریاورد.»

در پی مدت زمانی که برای امضای فرمانها در اختیار شاه گذاشته شد، امریکایی‌ها هم آماده بودند تا فردای آن روز، عملیات را آغاز کنند. ژنرال «مک کلور» و رئیس مستشاران نظامی امریکا در ایران، در این باره چنین گفته است: «پس از فشارهای تعیین کنندگی اشرف و شوارتسکف و ملاقات روزولت با محمد رضا شاه در پانزدهم اوت سال ۱۹۵۳، فرمانها امضاء شد، و روز ۱۶ اوت، به عنوان روز عملیات اعلام گردید.»

تا این مقطع، مقدمات کار برای انجام عملیات فراهم شده بود. اما؛ چگونه این مقدمات فراهم شد؟؛ جواب این سوال را از میان گفته‌های «وودهاوس دریس» - جاسوسی بریتانیا در ایران - آشکار می‌شود؛ وی می‌گوید: «در واقعه کودتای ۲۸ مرداد طی سه مرحله متوالی صورت پذیرفت که یک مرحله، به عنوان مقدمان قبل از اجرای عملیات (ارسال کمکهای مقدماتی و جنگ تبلیغاتی) و دو مرحله دیگر نیز همانند عملیات نظامی انجام شد.»

فرستاد تا با همکاری اینتلیجنت سرویس، برنامه‌ای برای مصدق تدوین کند. بحث و تبادل نظر میان ویلبر و «داربی شایر» - مأمور اینتلیجنت سرویس - از سیزدهم ماه می آغاز شد. در جلسات اولیه، ویژگی شخصیت‌های مهم سیاسی ایران، با دقت مورد بررسی قرار گرفت و هر یک از طرفین، اطلاعات، امکانات و عواملی را که در دست داشتند در اختیار یکدیگر گذاشتند و انگلیسی‌ها، مجموعه‌ای از عوامل خود نظیر برادران رشیدیان، نیروهای مسلح، مجلس، گروه‌ها، مطبوعات و تعدادی از چهره‌های سیاسی را به امریکا معرفی کردند. در طی مذاکرات در نیکوزیا با انگلیسی‌ها درباره چند مورد اتفاق نظر کردیم. اول اینکه شاه باید وارد عملیات شود. دوم؛ در این مورد هندرسون مضمون مذاکرات خود با انگلیسی‌ها - در کیدزیا - را چنین نقل می‌کند: «ما با انگلیسی‌ها در چند مورد اتفاق نظر کردیم؛ زاهدی تنها برای اجرای عملیات است. سوم؛ عملیات حتی‌المقدور باید صورت قانونی به خود بگیرد. مورد چهارم؛ در طی اجرای عملیات باید افکار عمومی در آستانه شورش، تحریک شود و بالاخره مورد پنجم؛ عملیات باید با سرعت و بلافاصله از طریق حمله به دولت مصدق - به شیوه‌ی عملیات خاکستری - انجام شود.»

هاتیو داربی شایر (رئیس بخش ایران در اینتلیجنت سرویس) در نیکوزیا با یکی از برادران رشیدیان ملاقات کرد، رشیدیان در این ملاقات، طی گزارش کاملی از اوضاع توانست به برخی از پرسش‌های داربی شایر پاسخ دهد. داربی شایر با جواب به این سؤالات، طرح عملیات را به نتایج مقدماتی رسانید، آن دو به ژنو بازگشتند و به سرعت عازم لندن شدند. با پایان یافتن مذاکرات ویلبر در نیکوزیا، قرار شد روزولت به اتفاق چند تن به بیروت برود و ضمن ملاقات با ویلبر، نتایج اجلاس نیکوزیا را بررسی کند. روزولت به عنوان مسئول طرح، بعد از ظهر نهم ژوئن با پرواز لندن وارد بیروت شد. کارول از قبرس با هواپیما به بیروت رسید. راجر گویران، رئیس پایگاه در ایران با خودروی شخصی، مسیر دمشق تا بیروت را پیمود ویلبر هم پس از قاهره وارد بیروت شد. مذاکرات، صبح روز دهم ژوئن آغاز گردید. پس از جلسات بیروت، آنان به این نتیجه رسیدند که باید کلیه‌ی امکانات صرف بی‌اعتمادی مردم به دولت مصدق شود. با پایان یافتن این نشست، روزولت و ویلبر راهی لندن شدند؛ تا آخرین تصمیمات خود را

انگلیسی‌ها هماهنگ کنند و مطرح رمز نهایی شود. ویلبر پس از بازگشت - هنگامی که طرح عملیات را به اطلاع مقامات وزارت امور خارجه رسانید - آنها به بیان این مطلب؛ دزست است که پس از پذیرش طرح توسط دولت آمریکا، انگلیسی‌ها باید تضمین کنند که با سقوط مصدق و با روی کار آمدن دولت جدید و مسأله نفت، روش انعطاف پذیری را با کاخ سفید خواهند داشت. این موضوع توسط سفارت انگلستان و نماینده اینتلیجنت سرویس پی‌گیری شد. دولت انگلستان بسرعت تضمین‌های مربوطه را به دولت آمریکا داد و در تاریخ بیست و سوم ژوئیه، یادداشتی از سوی وزارت امور خارجه انگلستان، تقدیم وزارت امور خارجه آمریکا شد؛ هر چند پایگاه سیا در تهران، در انتظار رد تأیید طرح نهایی بود؛ اما برخی از اختیارات را که از قبل به آنها داده شده بود، در پایگاه تهران بر اساس مجوز کلی ماه آوریل انجام شود. این مجوز به آنها اختیار می‌داد تا یک میلیون دلار صرف فعالیت‌های مخفیانه نمایند.

در بیستم ماه می، پایگاه تهران به طور مشخص اجازه یافت هفته‌ای یک میلیون ریال - به قیمت ۹۰ ریال در مقابل هر دلار - برای مجلس ایران هزینه کند. هندرسون در سوم ژوئن سال ۱۹۵۲ برای تبادل نظر و ارائه آخرین اطلاعات و اخبار عازم واشنگتن شد. در مذاکرات او با مقامات سیا مقرر شد تا با سفری طولانی به کشورهای اروپایی، بازگشت خود به تهران را به تعویق بیندازد. کارشناسان سیا با استمرار در تأخیر، بازگشت هندرسون به تهران را عاملی مهم در جنگ روانی می‌دانستند، که قرار بود بر ضد مصدق اجرا شود؛ ضمن اینکه آنها، وجود هندرسون در تهران به هنگام کودتا را صلاح نمی‌دانستند. روزولت هم اواخر ژوئن سال ۱۹۵۲ در پیام مستقیم پایگاه تهران گفت که باید نقشها و فعالیت‌های افراد برایشان تفهیم شود و همچنین دو گروه به منظور زمینه سازی عملیات سازماندهی شد. گروه اول به ریاست «کارول» که اواسط ژوئن از نیکوزیا بازگشته بود، تشکیل شد. این گروه مأموریت داشت، ابعاد مختلف قسمت‌های نظامی عملیات را پی‌گیری کند. و گروه دوم که به سرپرستی ویلبر تشکیل گردید؛ مسئولیت مراحل جنگ روانی طرح را بر عهده داشت. هدایت و رهبری کلی این گروه‌ها و تضمین و تنظیم روابط آنها با پایگاه عملیات توسط «ژان هنری دالر»؛ رئیس؛ شعبه چهار، بخش خاور نزدیک انجام می‌شد. «جرج ای کارول»؛ مسئول برنامه ریزی نظامی کودتا، برای بررسی و پی‌گیری بیشتر در اواسط ژوئیه برای انجام مأموریتی عازم

تهران شد؛ البته، پیش از آن، سر راه به لندن رفت تا با همکاری و هماهنگی داریبی شایر، تضمین بیشتری برای انجام علمیات در دست داشته باشد و سرانجام در روز ۲۱ ژوئیه وارد تهران شد.

ویلبر در این زمان مسئولیت جنگ روانی را برعهده داشت و با در اختیار داشتن گروهی متشکل از افراد مختلف و متخصص و نیز با استفاده از شیوه‌های مختلف، دستورات لازم را به پایگاه تهران ارائه کرد. افرادگروه ویلبر، از طرفی تعداد زیادی مقابله بر ضد مصدق تهیه کردند و از سویی دیگر؛ این مقاله‌ها را میان عمال خویش توزیع نمودند.

«ژنرال مک کلور» نیز براساس دستورالعملی که به دستش رسید بخشی از جنگ روانی بر ضد مصدق را انجام داد. در پی این کار از ویلیام اسادارن (مدیر همکاریهای ایران) خواسته شد تا روابط عادی و دوستانه خود را با دولت و افسران نزدیک به مصدق کاهش دهد. ایالات متحده آمریکا نیز اوضاع ایران و جنگ روانی بر ضد دولت مصدق را توسط مطبوعات انعکاس دادند هندرسون براساس طرحی که در عملیات بود، در اسرع وقت برای پیشرفت مرحله مقدماتی؛ در مرحله نخست، ۳۵ هزار دلار و نیز مبلغ ۲۵ هزار دلار از طرف اینتلیجنت سرویس به زاهدی پرداخت کرد. پس از پرداخت این مبالغ و تأمین مالی سران کلیدی ارتش توسط سیا، آنها باید وانمود می‌کردند که این کمکها از طرف شاه بوده است. [برآورد کل هزینه عملیات، ۲۵۸ هزار دلار بود که ۱۴۷ هزار دلار آن توسط آمریکا و ۳۵ هزار دلار از آن نیز به وسیله انگلیس تأمین شد].

روزولت در این مقطع، به آمادگی شاه برای ایفای نقش در کودتا پرداخت. وی در این باره گفته است: «ترس و تهدید شاه را احاطه کرده بود. و همین سبب می‌شد تا او وظایفش را بخوبی انجام دهد.» امریکایی‌ها مطمئن بودند که اشرف برای سرنگونی مصدق مشتاقانه همکاری می‌کند. بنابراین با اشرف در اروپا ارتباط برقرار کردند. و او را در جریان کودتا قرار دادند. و سپس وی را به ایران فرستادند. در چنین واقعه‌ای، رشیدیان وظیفه داشت با اشرف ملاقات کند و او را برای ملاقات مشترک با داریبی شایر آماده سازد.

در این میان «وود هاوولس دریس» (جاسوس بریتانیا در ایران) به سازمان سیا اطمینان داد که توافقات اولیه میان رشیدیان و اشرف در پاریس را ترتیب می‌دهد.

بنابراین از طرف سیا، وارد لندن شد و به همراه داربی شایر، لندن را به مقصد پاریس ترک کردند. وودهاوس پس از بازگشت به لندن، گزارشی از وقایع سفر خود را به روزولت داد. در این گزارش متنی آمده که نشان می‌دهد اشرف موافقت نموده تا هر چه از وی خواسته شده است، انجام دهد.

داربی شایر در مورد ملاقاتی که در پاریس به اتفاق وود با اشرف داشت گفت: «او به ما قول داد تا هر آنچه را بخواهیم انجام دهد. ما در مورد مأموریتی که برای او در نظر گرفته بودیم و نیز درباره‌ی سفر وی به تهران صحبت کردیم؛ اما اشرف نگران واکنش شدید مطبوعات بود و ما به او قول دادیم که از مطبوعات داخل ایران نگران نباشد. چرا که ما با بکارگیری اهرم‌های تبلیغاتی، سفر اشرف را پوشش داده‌ایم. و به این ترتیب ما در روز ۲۵ ژوئیه، اشرف را به صورت یک مسافر عادی و با یک پرواز عادی عازم تهران کردیم.

وودهاوس در این باره می‌گوید: «همانطور که انتظار می‌رفت با ورود اشرف به تهران با واکنش شدید مطبوعات مواجه شدیم. لحظه دیدار با شاه، با جنجال آغاز شد و این قضیه را با آشتی طرفین خاتمه دادیم. پس از اشرف اسدالله رشیدیان به ملاقات شاه رفت و مطابق نقشه، باید شاه را متقاعد می‌ساخت که به او می‌گفت که سخنگوی رسمی دولت انگلیس می‌باشد.

ژنرال شوارتسکف، بین سالهای ۱۹۴۲ تا ۱۹۴۸، ریاست هیئت کارشناسان و مشاوران نظامی امریکا، در ژاندارمری ایران را بر عهده گرفت. پس از پنج سال (حدود ۲۶ ژوئن ۱۹۵۳) ژان والر را دعوت کرد تا در سطح سیا برای کودتا در ایران همکاری کند و در روز هفدهم ژوئیه در ستاد سیا نقشی که برای شوارتسکف طراحی شده بود را توجیه کردند و سپس وی را عازم ایران نمودند. گویران (رئیس پایگاه سیا در ایران) در مورد سفر شوارتسکف می‌گوید: «برای آنکه هدف واقعی از سفر شوارتسکف - که مقصد ایران بود - مشخص نشود، مأموریتی ظاهری به او داده شد. او ابتدا به لبنان، پاکستان، مصر و سپس به تهران سفر کرد. و حامل پیام اشرف بود که می‌بایست به حضور شاه می‌رسانید. هدف از این پیام آن بود شاه متوجه شود، واشنگتن خواهان اجرای این عملیات است و صلاح شاه در این است (چاره‌ای جز آن ندارد) که نقش خودش را در کودتا اجرا نماید. روز اول ماه اوت شوارتسکف با شاه ملاقات کرد. و این

۲۹۵ ملاقات به دلیل وجود میکروفون در سایر اتاقهای کاخ، در سالن رقص انجام شد. شاه،

شوارتسکف را دقیقاً به وسط سالن برد و سپس، شوارتسکف پیام را به وی ابلاغ کرد.

به عبارتی وی پیشنهاد کمکهای سیاسی آمریکا به دولت جانشین مصدق را ارائه کرد.

در این برهه‌ی زمانی کارکنان سیا در چند جبهه مشغول فعالیت بودند. پایگاه تهران

محصولات خود را به اسدالله رشیدیان تحویل می‌داد تا جنگ روانی با شیوه‌ی ویژه‌ای

صورت گیرد. در کنار این عملیات تبلیغاتی، عملیاتی مستقل برای طرفداری از شاه و بر

ضد مصدق در آذربایجان اجرا شد. همچنین منحرف کردن جو و اغتشاش، از اهداف

اصلی این طرح بود. به نقل از روزولت، از میان عواملی که عملیات پشتیبانی را انجام

می‌دادند، اهمیت کادر عالی رتبه جنگ، از سایر عوامل بیشتر بود.

در ژوئیه ۱۹۵۳ از پرسنل جنگ روانی، در خواست پشتیبانی شد. از سران خاور

نزدیک نیز خواسته شده بود تا مقالاتی را برای چاپ در مطبوعات ارسال نمایند. موضع

مهمتر در جنگ روانی این بود که پرسنل جنگ در تهران باید فاقد روابط باشند تا بی‌پایه

بودن منابع مطالب مشخص نگردد و از سویی مراقب باشند که در این مقالات تحلیلی

روی ندهد. هندرسون در پی جنگ روانی و در کنار دیگر تلاشهایی که به منظور عملیات

واهی برضد مصدق صورت می‌داد، توانست متنی را یا - بر ضد مصدق - براساس

ارتباط مصنوع در مجله «نیوزویک» به چاپ برساند.

گویران (رئیس پایگاه سیا در ایران) به این نکته اذعان کرد که در پایگاه طی ماهها و

سالها کار در تهران و با صرف پول برای این عملیات، هنوز هم نداشتیم که نتایج با مبالغ

مصرف شده متناسب خواهد بود یا خیر. هر چند که در ژولای و اوت سال ۱۹۵۳

مطبوعاتی که ما (امریکا) یا انگلیس روابط یکپارچه برضد مصدق داشتند.

دربی شایر در این موقعیت آشفته در پی صورت دادن ارتباط با تجار توسط گروه

انگلیسی بود. چرا که دولت به سبب ایجاد رکود اقتصادی، واردات را قطع کرده بود و از

لحاظ پرداخت مالیات و کمبود پول به اقشار مردم نیز زیان می‌رسید. از این رو از تجار

برای رواج شایعات در بازار، و به راه انداختن اعتراضات محدود استفاده می‌شد. این

اعتراضات، در مواعدهای مقرر توسط شخص مورد احترام مردم در تهران انجام می‌شد

و تأثیراتی بر زندگی عادی مردم نیز می‌گذاشت و زمینه را برای مرحله نهایی کودتا

فراهم می‌ساخت. یکی دیگر از اقداماتی که باعث آشفته شدن وضع اقتصادی شد،

۲۹۶ ذخیره پول در گاو صندوق پایگاه امریکاییها در تهران بود که این کار توسط گویران انجام می‌شد. این صندوق مملو از اسکناس ۵۰۰ ریالی بود (موجودی این صندوق در سال ۱۹۵۳، حدود یک میلیون دلار بود).

راه دیگری که سازمان جاسوسی در پیش گرفته بود ارتباط با نمایندگان مجلس بود که این موضوع توسط عوامل انگلیسی صورت می‌گرفت. اینتلجنت سرویس معتقد بود کسانی که به هیچ جناح سیاسی وابسته نیستند، برای این طرح مفیدتر هستند.

در پی این اقدامات، وزارت امور خارجه آمریکا با همکاری سازمان سیا توانست مقاله‌ای در یکی از نشریات مهم آمریکا به چاپ برساند. که انعکاس آن در ایران منجر به تشدید جنگ روانی شد. همچنین اظهارتی که در ایالات متحده صورت می‌گرفت، تأثیر فراوانی بر مصدق گذاشت. برای اجرای طرح جنگ روانی، سازمان سیا چهار هزار دلار اختصاص داد. و قرار بر این بود مبارزه‌ی تبلیغاتی بر ضد مصدق - از طریق روزنامه‌ها - یک یا دو هفته قبل از مرحله نهایی چاپ شود تا مصدق فرصتی برای واکنش، در مورد خنثی کردن این طرح را نداشته باشد.

جرج ای کارول هم که مسئولیت برنامه ریزی نظامی کودتا را برعهده داشت می‌گوید: «مهمترین و ضروری‌ترین وظیفه ستاد، انتخاب افسران کلیدی در تهران بود. افسرانی که برای اجرای عملیات، توان همکاری آنان احساس می‌شد. بویژه آنکه تصرف ستاد ارتش، ایستگاه رادیویی ارتش، رادیو تهران، خانه مصدق و یارانش، کلیدی، دفاتر پست و تلگراف و تلفن مجلس و چاپخانه، و دستگیری افراد اصلی و نیز افسران طرفداران مصدق، از اهداف و مقاصد اساسی طرح بود.

روزولت پس از ملاقاتهای اشرف و شوارتسکف با شاه، به نمایندگی از سوی آیزنهاور و چرچیل، به دیدار شاه رفت. ملاقات او با شاه در نیمه‌های شب، و کاملاً مخفیانه صورت گرفت. در این ملاقات روزولت جزئیات نقشه کودتا و امکانات و عوامل را با شاه در میان گذاشت و در نهایت، زمان‌های مورد نیاز کودتا (فرمان عزل مصدق و انتصاب زاهدی) را از شاه دریافت کرد. شانزدهم اوت، روز برگزاری عملیات معرفی شد. در عملیات کودتا، نیروهایی که می‌بایست مصدق را دستگیر می‌کردند، از نیروهای مسلح طرفدار مصدق شکست خوردند؛ شاه پس از اطلاع این شکست به بغداد گریخت و این اقدامی احتیاطی بود که در طرح تا حدودی پیش بینی شده بود. زاهدی نیز با حمایت و

نظارت، در مخفیگاهی پنهان شده بود. هندرسون در روز هفدهم اوت به تهران بازگشت. ۲۹۷
زاهدی از طریق یک کنفرانس مطبوعاتی که به ابتکار پایگاه سیا طراحی شده بود و
همچنین با استفاده از امکانات چاپخانه‌ای خصوصی سیا، اعلام کرد که زاهدی نخست
وزیر ایران است و مصدق برضد وی کودتا کرده است. عوامل ما نیز، فرمان شاه، مبنی
بر انتصاب زاهدی را به چاپ رساندند.

آلن دالس (رئیس سابق سیا) چند روز پس از کودتا گفت: «در نوزدهم اوت ۱۹۵۳،
تظاهراتی به طرفدارای از شاه در حوالی بازار انجام شد. تظاهرات طی اقدام سیاسی
پایگاه سیا بر پا گشت و بتدریج با پی‌گیری عواملی که در ارتش داشتیم، موقعیت و
شرایط لازم را برای اجرای عملیات نظامی فراهم کردیم. با دستوری که از طرف پایگاه
امریکائیها صادر شد، زاهدی از مخفیگاه خارج و کودتا را رهبری کرد. روزولت در آن
روز به زاهدی گفت: «به عنوان گام نخست اعلام کند که رئیس دولت موقت می‌باشد و در
ساعات پایانی روز نوزدهم اوت، ایران در اختیار زاهدی قرار گرفت او پست‌های کلیدی
همانند نیروهای مسلح را به اختیار خود درآورد و پس از چند روز شاه به ایران
بازگشت. هندرسون به منظور اعطای کمکهای مالی ما از طرف سازمان سیا پنج میلیون
دلار طی دو روز اول نخست وزیری در اختیار وی قرار داد تا بتواند سریع جایگاه خود
را استحکام بخشد. انگلیس هم زاهدی را در ایران پشتیبانی نمود. این عمل توسط
(کاردار سفارت انگلیس در تهران) انجام گرفت. طبق گفته وی حمایت جدی او از زاهدی
با توافق لندن و واشنگتن بر سر نخست وزیری انجام شد. پس از کودتا و طی چند ملاقات
با زاهدی، از او قول گرفت که امریکا و انگلیس را در تأمین نفت یاری نماید. این مسئله
بازتاب وسیعی در داخل امریکا داشت؛ بطوری که روزی کلارک (دادستان سابق کل
امریکا) در این باره می‌گوید: «سیاست خارجی ما فعلا نه سعی در محروم کردن دولت
وملت‌ها از استقلال خود دارد. به اعتقاد من دولتی که نتواند برای مردم خودش مواد
غذایی تولید کند؛ هرگز آزاد و مستقل نخواهد بود. شاه ۲۵ سال پس از کودتای ۲۸
مرداد، حافظ خوبی برای منافع ما در خاورمیانه بود. او طی این سال‌ها ۲۲ میلیارد
اسلحه برای خود و خاورمیانه از امریکا و انگلیس خریداری کرد. در مقابل، کشورهای
آسیایی را فقیرتر و وابسته‌تر به امریکا و انگلیس نمود.

پس از گذشت چند دهه، سیاستمداران امریکا خود اعتراف کردند که ایالات متحده

نقش مهمی در کودتای ۲۸ مرداد داشته است: مادلین آلبرایت (وزیر امور خارجه سابق آمریکا) می‌گوید: در سال ۱۳۳۲ آمریکا نقش مهمی در هماهنگ کردن سقوط محمد مصدق (نخست وزیر مردم ایران) بازی کرد. حتی از آیزنهاور بر این باور بود که بنا به دلایل استراتژیکی بوده است که آمریکا در تحولات ایران نقشی ایفا کرده است. و همان‌طور که رئیس‌جمهور کلینتون گفته بود: «آمریکا باید بخشی از مسئولیت و مشکلاتی را که در روابط ایران و آمریکا بوجود آمده است، به عهده گیرد».

بجز اینتلجنت سرویس و سیا، یک سازمان صهیونیستی مستقل از سازمانهای موساد و اسرائیل در کودتای ۲۸ مرداد نقش داشتند. که اشاره‌ای مختصر به آنها نیز ضروری است:

پس از رنسانس پدیده‌ای به نام «فاعل شدن یهودیت پنهان در امور جهان» در دنیا شکل گرفت. در ابتدا یهودیان توسط مسیحیان مطرود و در برخی نقاط به دست آنان کشته شدند و چون در این مقطع، آنها از صحنه‌های سیاسی و اجتماعی کنار گذاشته شده بودند، به صحنه‌های اقتصادی روی آوردند و با این حربه توانستند بر دیگر کشورها نفوذ کنند.

این دسته از یهودیان با تشکیل یک سازمان فراملیتی پس از مدت زمان کوتاهی، چنان گسترش یافتند که موفق شدند نقش مدیریت و هماهنگی بین سازمان‌های جاسوسی دنیا را در کودتای ۲۸ مرداد ایفا کنند. یهودیان با نفوذ در دولت‌ها، ایلات و عشایر، مطبوعات و روزنامه‌ها، پارلمان و نمایندگان، انقلاب‌ها و نهضتها و نیز با انجام قتل و ترور شخصیت‌های مردمی، توانستند هر چه بیشتر فعالیت‌های جاسوسی خود را در ایران گسترش دهند. از افراد ذی‌نفوذ این سازمان در ایران، باید به نقش «سرگور اوزلی» اشاره کرد او در سال ۱۳۲۴ با هدف تأسیس سازمان فراماسونری و بعنوان سفیر و نماینده رسمی دولت انگلستان وارد ایران شد و توانست تمامی اطرافیان فتحعلی شاه را وارد لژ فراماسونری کند.

تلاش این فرد و همکاریش با میرزا ابوالحسن ایلیچی موجب خسارات فراوانی به ایران شد. در یکی از نامه‌های که سرگور اوزلی به وزارت امور خارجه انگلستان می‌نویسد؛ با صراحت بیان می‌دارد: «برای حفظ صیانت دستگاه ما باید ایران در وحوش و بربریت نگاهداری شود» این سیاست انگلستان از سال ۱۳۲۴ آغاز و تا

انقلاب اسلامی ایران ادامه داشت. از دیگر تحولات این سازمان وارد شدن فردی به نام «مانکچی هاتریا» به ایران بود. خانواده‌ی مانکچی از زمان ساسانیان به هند مهاجرت کردند و در آنجا پس از ارتباط با استار بریتانیا، در اواسط عهد ناصری وارد ایران شدند و در صدد گسترش این شبکه جاسوسی برآمدند.

خانواده مانکچی برای رسیدن به اهداف خود، در صدد تشویق محمد (مؤسس فرقه بابیه در ایران) برآمدند. لازم به ذکر است که آقای فضائل گلپایگانی (یکی از مراجع بهایی) در کتاب «ظهور الحق» از ارتباط میرزاملکم خان و جلال الدین میرزا (مروج غرب‌زدگی در ایران) با شبکه فراماسونری و فعالیت‌های آنان یاد می‌کند.

در این مقطع کسانی بودند که با ایفای نقش‌های فرعی، زمینه‌ی لازم برای انجام کودتاهای مختلف را نیز فراهم می‌کردند؛ بعنوان مثال می‌توان به فردی اشاره کرد که با اسم مستعار «حاج هاشم کلکته‌ای» با لباس روحانیت در مجالس شرکت می‌کرد، که در یکی از همین جلسات، توسط یک روحانی شناسایی می‌شود. خانم «آن لمپتن» از افرادی بود که با استفاده از نفوذ خود وارد مطبوعات شده بود و به فعالیت‌های جاسوسی ادامه می‌داد.

از شبکه‌های مهم داخل کشور که با شبکه فراملیتی صهیونیستی کار می‌کرد، می‌توان شبکه اعلم را نام برد. این شبکه با جمع آوری فرهیختگان به دور خود توانسته بود با دو گرایش سیاسی و فرهنگی، فعالیت‌های گسترده جاسوسی را انجام دهد. وظیفه اصلی قسمت سیاسی شبکه اعلم، جلوگیری از فعالیت کمونیست در ایران بود که عملاً؛ در همه‌ی عرصه‌های کشور دخالت می‌کرد، یکی از این موارد، ایجاد تظاهرات مصنوعی در ۲۱ تیر ماه سال ۱۳۲۱ می‌باشد؛ هنگامی که سفیر امریکا می‌خواست وارد ایران شود، ناگهان خیابانهای تهران دچار آشفتگی شد و مردم، شهر را به آشوب کشیدند. توده‌ایها، مجسمه شاه را پایین آوردند و آشوب، به یک جنبش افراطی تبدیل شد. در این تظاهرات چیزی حدود بیست نفر کشته و سیصد تا چهارصد نفر زخمی شدند، همچنین خسارات فراوانی به اماکن عمومی وارد آمد. ریاست بخش فرهنگی این سازمان به عهده رشیدیان بود. از اعضای این گروه می‌توان به فتح الله بنیانیان، علی جواهر کلام - عباس شاهنده، جعفر شاهی، مصطفی مصباح (مدیر سابق کیهان) عباس مسعودی (مدیر سابق اطلاعات)، هادی هدایتی (از اعضای حزب توده) - علی اصغر

۳۰۰ ایرانی - مهدی میراشرفی - عبدالرحمان فرامرزی و رسول پرویزی نام برد و از فعالیت‌های این بخش نیز می‌توان به جوسازی و جنگ روانی اشاره کرد. یکی از عملیاتی که بخش فرهنگی شبکه اعلم انجام داد، چاپ مقالات در روزنامه‌ها و کتابها بود. آنها کتابی بنام «شرح زندگانی من» به نام لاهوتی چاپ کردند. مقدمه‌ی آن را شاهنده و خود مطالب کتاب را جواهر کلام به رشته تحریر درآورد. پس از چاپ هم «شاپور مجارتیوپر» از آن تقدیر کرد.

با ورود این کتاب به بازار، لاهوتی اعتراض کرد که من اصلاً خاطره‌ی ندارم که آن را یادداشت و چاپ کنم.

از دیگر شبکه‌های جاسوسی داخل کشور که با شبکه صهیونیستی فعالیت می‌کردند، باید از شبکه «اردشیرجی» نام برد. در خصوص تداوم فعالیت شبکه اردشیرجی در قالب فعالیت‌های فرزند او «شاپور ریپوتر» و همکاری آنها با شبکه صهیونیستی، این نکته را باید اضافه کرد که این شبکه با رهبری شبکه صهیونیستی توانست دو کودتا در تاریخ معاصر ایران به راه اندازند. یکی؛ کودتای سوم اسفند ۱۲۹۹ که منجر به صدور رضاخان به سلطنت شد و دیگری؛ کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که منجر به تثبیت محمدرضا پهلوی و گسترش سلطه امریکا در ایران گردید. بنابراین مشاهده می‌کنیم که این شبکه صهیونیستی گاهی تداوم غارتگری خود را از دریچه استعمار بریتانیا تعقیب می‌کرد و گاه نیز بابت سلطه امریکا این کار را به انجام می‌رسانید. فعالیت این سازمان در خارج از ایران توسط «لرد ویکتور انجام می‌شد که او نقش اساسی را برای هماهنگی بین سازمان‌های سیا و اینتلیجنت سرویس ایفا می‌کرد. رایزنی و ویکتورچیلد و همکاری و هماهنگی وی با دیگر سازمان‌های جاسوسی داخلی و شبکه بر این او شبکه‌های خارجی سبب گردید تا این سازمان‌ها نقش مهمی را در کودتای ۲۸ مرداد ایفا نمایند «لرد ویکتور چیلد» از جمله شخصیت‌های کلیدی است که در بازسازی اینتلیجنت سرویس هم نقش داشته است. جالب اینجاست که شاپور شاپورریپوتر به جهت همین نقش فراملیتی شبکه صهیونیستی، هنگامی که تبعه انگلیس بود، در سالهای کودتا در استخدام سفارت امریکا نیز بوده است و نقش مشاور سیاسی سفیر را ایفا می‌نماید. پنهان کاری شبکه‌های جاسوسی در مخفی نگه داشتن واقعیت‌های پشت پرده کودتا، تلاشی است برای پنهان کردن ماهیت این شبکه فراملیتی صهیونیستی که هم اکنون نیز فعالانه در پی گسترش سلطه فرد بر جهان می‌باشد.